

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی

۲۴ جنوری ۲۰۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة المعراج

سورة معراج در مکه مکرمه نازل شده و دارای چهل و چهار آیت و دو رکوع می باشد.

۵

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۳۲)

و آنانی که امانت ها و عهد های خود را رعایت می کنند. (۳۲)
مسأله وفای به عهد و پیمان که در دین مقدس اسلام مورد بحث قرار گرفته است، از اساسی ترین شرائط زندگی دسته جمعی است و بدون آن هیچ گونه همکاری اجتماعی ممکن نیست، و بشر با از دست دادن آن زندگی اجتماعی و اثرات آن را عملاً از دست خواهد داد، به همین دلیل در آیات قرآنی و احادیث نبوی تأکید فوق العاده و متداوم بالای آن صورت گرفته است، و شاید کمتر چیزی باشد که این قدر گسترش داشته باشد، زیرا بدون آن هرج و مرج و سلب اطمینان عمومی که بزرگترین بلای اجتماعی است در میان بشر پیدا می شود.

قرآن عظیم الشأن می فرماید: «وَأوفوا بعهد الله إذا عهدتم ولا تنقضوا الأیمان بعد توكیدها وقد جعلتم الله عليكم كفیلاً ان الله يعلم

ما تفعلون» (سوره نحل، آیت ۹۱). (و چون با خدا و رسول و بندگانش) عهده بستید بدان عهد وفا کنید و هرگز سوگند و پیمان را که مؤکد و استوار کردید مشکنید، چرا که خدا را بر خود ناظر و گواه گرفته اید؛ همانا خدا به هر چه می کنید آگاه است.)



«الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ» (سوره الرعد ۲۵) (آنهایی که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند، و پیوندهائی را که الله دستور به برقراری آن داده قطع می کنند، و در روی زمین فساد می نمایند، لعنت برای آنهاست؛ و بدی (و مجازات) سرای آخرت!)

وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قٰنِئُونَ (۳۳)

و آنانکه بر شهادتهای خود ایستاده اند. (۳۳)

در این آیت مبارکه «شهادت» به صیغه جمع آمده است، که این مطلب را می رساند که شهادت چند قسم است و محافظت آنها واجب است و این شهادت شامل ایمان به توحید و رسالت هم می شود، و نیز شامل شهادت هلال رمضان و حدود شرعی و معاملات مردم که با همدیگر انجام می دهند، می باشد، که کتمان و کم و زیاد کردن آنها حرام و درست به جا آوردن آنها بنابر این، فرض است. (برای معلومات مزید مراجعه شود به تفسیر معارف القرآن علامتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی - سوره المعارج.)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلٰتِهِمْ يُحٰفِظُونَ (۳۴)

و آنان که بر نماز هایشان مواظب اند. (۳۴)

قبل از همه باید گفت که عبادت صرف نماز خواندن نیست، هر چیزی که در راه الله و برای رضای الهی انجام شود، عبادت است.

کمک و دستگیری از فقراء، خدمت به جامعه و عالم بشریت، هم نوعی از عبادت است. اما در هر دینی یک نوع عبادت رسمی و مشخص وجود دارد که مبین وجود کامل و یا هم هویت آن دین را بیان می کند، نماز کارت شناخت، تذکره و یا به اصطلاح کارت هویت یک شخصی مسلمان در دین مقدس اسلام است.

عبودیت و پرستش یکی از نیازهای انسان است. انسانها از بدو پیدایش تا به امروز به شکلی از اشکال مصروف عبادت و پرستش بوده اند.

روح انسان نیاز به عبادت و پرستش دارد. با تمام صراحت باید گفت که: هیچ وجود مادی جای عبادت را پر کرده نمی تواند.

زیباترین، مقبولترین و احسنترین و کاملترین شکل پرستش در دین اسلام نماز است.

دانشمندان گفته اند:

برای رسیدن به عرفان الهی و شناخت خود و خداوند متعال مراحل را باید طی نمود. و بهترین راه وصول عبادت به صورت کل و عبادت نماز به صورت خاص می باشد.

در فرهنگ اسلامی تعیین کردن و مشخص نمودن شکل عبادت، با شارع مقدس است و کسی نمی تواند عبادتی اختراع کند. همه امور عبادی را همان گونه که از طرف شارع مقدس بیان شده است، باید انجام داد، نه کمتر و نه بیشتر. نماز رابطه بنده با الله است، و طبیعی است که بنده آن را به جا می آورد که خواسته خداوند و معبود اوست و اصولاً هدف اصلی از خلقت انسان بندگی است و نماز بهترین شیوه اظهار بندگی است و اگر قرار باشد که هر انسانی بر طبق خواسته خود عمل نماید نه آن چیزی که خداوند از او خواسته این دیگر بندگی خداوند نمی شود بلکه بندگی خود و عمل بر طبق خواسته خود است.

همان گونه که قرآن عظیم الشأن با لفظ و معنای خویش هماهنگ و اعجاز الهی است به همین ترتیب شکل نماز هم قشنگ است، هم معارف بلند اسلامی در آن وجود دارد، هم تسبیح و تقدیس لفظی است و هم تقدیس عملی می باشد.

تکبیر، قیام و قعود، رکوع و سجود و تسبیح و تحمید و دعا و سلام و خلاصه همه زیبایی‌ها در نماز است. با این همه اگر نماز به طور صحیح و کامل با حفظ شرایط و آداب خوانده شود، جلو بسیاری از مفسدات اجتماعی را می‌گیرد: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» نماز اگر با مقدمات و تعقیبات همراه باشد، انسان را به اوج معنویت می‌رساند. آذان با آن محتوای زیبا دل را می‌نوازد.

چرا اسلام بر خواندن نماز تأکید بیشتر می‌دارد:

اول: این که نماز روح انسان‌ها را به مبدأ هستی بخش مرتبط و متصل می‌کند و با این ارتباط روح و جان انسان را زنده، با نشاط و آرام می‌سازد و او را برای انجام سایر تکالیف و وظایف فردی و اجتماعی آماده می‌کند از این رو می‌توان گفت نماز ماشین محرکه سایر اعمال و دستورات اسلامی است، زیرا آن شخصی که به نماز اهمیت بدهد، یقین داشته باشید که به سایر عبادات اهمیت بسزائی قابل بوده و با تمام اخلاصمندی آن را به جا می‌آورد. اما اگر مسلمانی نماز خویش را به وجه احسن انجام ندهد و به آن اهمیتی قابل نباشد، سایر اعمال عبادی اش نیز از بهره و ثمره ای برخوردار نخواهد بود.

دوم این که: نباید فراموش کرد که خواندن نماز علاوه بر آن که انجام یک فریضه الهی است، بلکه خواندن نماز خود مانع بسیاری از اعمال بد شده و جلو بسیاری از گناهان را می‌گیرد.

نماز گزار واقعی از فحشاء و منکرات به دور می‌ماند و این خاصیت بازدارندگی نماز را «ان الصلاه تنهى عن الفحشاء و المنکر» را نمی‌توان در سایر عبادات اسلامی یافت.

نماز، از لحاظ فهم سیاسی مسلمانان سراسر جهان را هر روز به سمت قبله واحد و مردم هر شهر و قریه در نماز جماعت با هم متحد می‌سازد. این حرکت در هر روز برای مسلمانان شکوه، عظمت و اقتدار خاص می‌بخشد.

أُولَئِكَ فِي جَنَاتٍ مُّكْرَمُونَ (۳۵)

اینان در بهشت‌ها مکرّم و محترم اند. (۳۵)

ایمان داشتن به روز آخرت:

ایمان به روز آخرت بیشترین تأثیر را در توجیه و نظم‌پذیری و التزام انسان به عمل صالح و تقوای خداوندی و دور شدن از ریا و تظاهر را دارد.

به همین دلیل در بیشتر اوقات میان ایمان به روز واپسین و عمل نیک ارتباط ایجاد شده است، مانند این فرموده الهی: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (سوره انعام: ۹۲) (مساجد الله را فقط کسی آباد می‌کند که به الله و روز آخرت ایمان آورده). (سوره توبه، ۱۸).

همچنان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (سوره الانعام: ۹۲) (و کسانی که به آخرت ایمان دارند به آن (نیز) ایمان می‌آورند و آنان بر نمازهای خود محافظت می‌کنند).

کسانی که به امور زندگی و متاع آن مشغول شده و از مسابقه در طاعات و غنیمت شمردن وقت برای تقرب به الله متعال با طاعات غافل شده اند، حقیقت زندگی و کوتاه بودنش را از یاد برده اند و فراموش کرده اند که آخرت همان سرای ماندن و جاودانگی است.

هنگامی که برخی از مسلمانان پیروی از دستور الله تعالی و پیامبرانش را بر خود دشوار دیدند، خداوند جهت آگاه نمودن شان فرمود: «أَرْضِيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (سوره توبه: ۳۸) (آیا به جای آخرت به زندگی دنیا راضی شده اید؟! حال آن که متاع زندگی دنیا در (برابر) آخرت جز اندکی (هیچ) نیست).

هنگامی که انسان به روز آخرت ایمان داشته باشد یقین خواهد داشت که هیچ نعمتی از نعمت‌های دنیا قابل مقایسه با نعمت آخرت نیست و از جهت دیگر نعمت‌های دنیا برابر با یک لحظه درنگ در عذاب نیست. همه عذاب‌های دنیا - که به خاطر خداوند تحمل می‌شود قابل مقایسه با عذاب آخرت نیست و از جهت دیگر تمام عذاب‌های دنیا با یک لحظه درنگ در نعمت‌های آخرت برابر نیست.

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مُهْطِعِينَ (۳۶)

پس کافران را چه شده است که به سوی تو به سرعت می‌آیند؟ (۳۶)
«مُهْطِعِينَ»: گردنهای خود را دراز کرده به سوی تو می‌شتابند.

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ (۳۷)

از جانب راست و از جانب چپ، گروه، گروه، گروه (۳۷)
«عِزِينَ»: گروه‌های پراکنده

أَيُّطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (۳۸)

آیا هر کدام از آنان طمع دارد که در بهشت پرناز و نعمت درآورده شود (۳۸)

كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ (۳۹)

هرگز چنین نیست، ما آنها را از آنچه خودشان می‌دانند آفریده ایم! (۳۹)
«مِمَّا يَعْلَمُونَ»: از آنچه خود می‌دانند، نطفه کوچک.

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (۴۰)

سوگند به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها که ما قادریم. (۴۰)
«فَلَا أُقْسِمُ»: قسم می‌خورم «لا» زاید است.

عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۴۱)

بر آن که بهتر از آنان جایگزین کنیم و ما ناتوان نیستیم. (۴۱)
«بِمَسْبُوقِينَ»: مغلوب و ناتوان.

فَدَرَّهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ (۴۲)

پس آنان را به حال خود بگذار تا در باطل خود فرو روند و بازی کنند تا روزی را که وعده داده شده‌اند ملاقات کنند. (۴۲)

«فَدَرَّهُمْ»: آنها را به حال خود بگذار.

«يَخُوضُوا»: در باطل غوطه‌ور شوند.

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصَبٍ يُوْفِضُونَ (۴۳)

روزی که شتابان از قبرهای خود بیرون آیند، گویی آنان به سوی نشانه‌های (بت‌های) نصب شده می‌دوند. (۴۳)
«مِنَ الْأَجْدَاثِ»: از قبرها.

«سِرَاعًا»: شتابان به سوی دعوت‌کننده.

«نُصَبٍ»: سنگ‌های که در جاهلیت مورد احترام آنها بود.

«يُوْفِضُونَ»: می‌دوند.

خَاسِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكِ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۴۴)

در حالی که چشمانشان زیر افتاده و خواری و ذلت ایشان را فرا گرفته است، این است آن روزی که وعده داده می شدند.

(۴۴)

«خُشِعَةً أَبْصَرُهُمْ»: نمی توانند بالا نگاه کنند.

«تَرَاهُمْ ذِلَّةً»: در ذلت و خواری غرقند.

خواننده محترم!

در آیت مبارکه در جمله «تَرَاهُمْ ذِلَّةً» گفته شده است: آنان در ذلت و خواری غرق اند؛ می خواهم توجه شما را به مفهوم بی نهایت عالی که همانا «عزت» است در این بخش جلب نمایم:

«عزت» به معنای حالتی است که از شکست انسان پیش گیری می کند و «ذلت» همان نبود عزت و شرافت در انسان است. به همین دلیل، انسان ذلیل شکست را به راحتی قبول می کند. (مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی).
علاقه مندی به «عزت» و تنفر داشتن از «ذلت»، امری فطری است که در نهاد همه انسان ها وجود دارد. شکوفائی «عزت» به پیدایش عواملی نیاز دارد که بی توجهی به آن ها سبب پذیرش ذلت و شکست در انسان می شود.
انسانی که یک بار طعم شیرین عزت را بچشد، هیچ گاه به ننگ ذلت و خواری، تن در نمی دهد.

نباید فراموش کرد که عزت خواهی از جانب پروردگار با عظمت باشد. الله تعالی، سرچشمه عزت به معنای واقعی است و دیگر آفریده ها در ذات خود، فقیر و ذلیل هستند. آنان به خداوند نیازمندند و خداوند عزیز مالک همه آن ها است. قرآن عظیم الشان با زیبایی خاصی در (آیت ۱۰ سوره فاطر) می فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً» (کسی که خواهان عزت است [بداند] که عزت، همه از آن اوست).

سخن اصلی این آیت آن است که عزت جویان باید عزت را از پروردگار با عظمت طلب نمایند، زیرا عزت در ملک خداوند است و انسان در پرتو پرستش خدا و تسلیم شدن در برابر او به عزت مندی واقعی می رسد.

رسیدن به زندگی طیبه:

رمز رسیدن به حیات طیبه از نظر قرآن، به کار بستن فرامین خداوند در زندگی یا همان عمل صالح است. «[نحل/۹۷] هر کس از مرد یا زن، عمل نیک انجام دهد در حالی که ایمان داشته باشد پس بی تردید (در دنیا) به او زندگی پاکیزه ای خواهیم بخشید و (در آخرت) پاداششان را در برابر عمل های بسیار خوبشان خواهیم داد».

انسانهایی که عمل صالح به جا نیاورده و آخرت خود را تباہ ساخته اند در بدو ورود به عالم دیگر (عالم برزخ) انگشت حسرت به دندان خواهند گزید: «[مؤمنون/۱۰۰] شاید به تدارک گذشته عملی صالح به جای آرم. (به او خطاب شود که) هرگز نخواهد شد، این کلمه ای است که (از حسرت) می گوید (و ثمری نمی بخشد) و در برابر آنها عالم برزخ است تا روزی که برانگیخته شوند».

بله، روزی انسان متوجه می شود که باید اعمالی به جا می آورد که دیگر دیر شده است. در آیات دیگری از قرآن کریم، به یکی از اعمال صالح مهم اشاره شده است. هنگامی که از دوزخیان می پرسند: «[مدثر/۴۲] چه عاملی باعث افتادن شما در جهنم شد؟» بلافاصله در آیت بعد، از زبان اینها می گوید: «[مدثر/۴۳] ما از نماز گزاران نبودیم».

می دانیم که نماز ستون دین و اولین موضوعی است که راجع به آن می پرسند البته نمازی آن اثر مطلوب را دارد که باز دارنده از منکرات و بدیها باشد اگر کسی موفق به اینگونه نمازی (باز دارنده از بدیها) شود می توان گفت که به حیات طیبه (زندگی پاک و بدور از منکرات) و عمل صالح، خود را مزین کرده است.

حیات طیبه برای کسی است که با انجام اعمال صالح و پیوند با خداوند، خود را پاک و پاکیزه نموده است. دوزخیان در آن جهان، سبب افتادن خود در جهنم را عدم انجام عمل صالح (نماز خواندن) و بی اعتنائی به قیامت می دانند.

الهی! ما را از خجالت و شرمساری دنیا و آخرت ننگه دار!

و من الله توفیق

فهرست موضوعات سوره المعراج

صفحه	فهرست موضوعات :	اسم سوره
	وجه تسمیه	المعراج
	موضوعات و مباحث مطرح شده در این سوره	
	ترجمه و تفسیر موجز	
	فرشتگان مقرب الهی	
	بصورت کل فرشتگان مقرب در بار الهی عبارتند از	
	صفات جبریل	
	جمع شدن زمین و درهم پیچیدن آسمان	
	نقش زکات در ساختار جامعه انسانی	
	در این بخش میخواهم مختصراً به اضرار جسمی و روانی استمنا اشاره نمایم	
	چرا اسلام بر خواندن نماز تأکید بیشتر میدارد	
	رسیدن به زندگی طیبه	

منابع و مأخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسن بن محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی)
- تفسیر انوار القرآن: تألیف عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر معالم التنزیل/ بغوی (متوفی سال ۵۱۶ هـ)
- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر/ ابن الجوزی (متوفی سال ۵۹۷ هـ)
- تفسیر البحر المحیط/ ابو حیان الأندلسی (متوفی سال ۷۵۴ هـ)
- تفسیر تفسیر القرآن الکریم/ ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل/ بیضاوی (متوفی سال ۷۹۱ هـ)
- تفسیر تفسیر الجلالین/ جلال الدین محلی و جلال الدین سیوطی (وفات جلال الدین محلی سال ۸۶۴ و وفات جلال الدین سیوطی سال ۹۱۱ هـ)
- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن/ طبری (متوفی سال ۳۱۰ هـ)
- تفسیر المیزان

- تفسير پرتوى از قرآن
- تفسير صفوة التفاسير/ صابونى (مولود ۱۹۳۰ م)
- تفسير إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم/ ابو السعود (متوفى سال ۹۵۱ هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانى
- تفسير معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتى محمد شفيع عثمانى ديوبندى مترجم مولانا محمد يوسف حسين پور
- تفسير فى ظلال القرآن، سيد قطب (متوفى سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسير الجامع لاحكام القرآن/ قرطبي (متوفى سال ۶۷۱ هـ)
- تفسير نور تأليف دكتور مصطفى خرم دل
- تفسير الميسر دكتور عايض بن عبدالله القرني
- صحيح مسلم
- صحيح البخارى